



## نگاهی به تصحیح تازه کتاب «سمط‌العلی للحضرة العلیا»

محسن پورمختار

عضو هیأت علمی دانشگاه ولی عصر عجل‌عزیز رفسنجان  
m.poormokhtar@gmail.com

مرحوم اقبال، تصحیح سمط‌العلی چندان موفق از آب در نیامد، و بعضی از نام‌آوران فرهنگی از کاستی‌های آن سخن گفتند. مرحوم باستانی پاریزی به لزوم تصحیح دوباره کتاب اشاره کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۴۳) و استاد ایرج افشار از غلط‌های فراوان آن یاد کرد (پورمختار، ۱۳۹۴: ۷۳). قرعه تصحیح مجدد سمط‌العلی به نام خانم مریم میرشمسی افتاد که کتاب را به شرحی که در زیر بدان می‌پردازیم، به نیکویی مجدداً تصحیح کردند. چاپ تازه سمط‌العلی را می‌توان به سه بخش عمده تقسیم کرد: مقدمه مصحح، متن کتاب، تعلیقات و نمایه‌ها. به این موارد باید خلاصه مقدمه به زبان انگلیسی و فهرست منابع را نیز افزود. در زیر پس از توصیف هر بخش به بررسی آن می‌پردازیم:

### مقدمه مصحح

مصحح محترم مقدمه ممتعی در پنجاه و هفت صفحه بر کتاب نگاشته است. در مقدمه به این مباحث پرداخته شده است: دلایل تصحیح مجدد سمط‌العلی؛ معرفی نویسنده کتاب، خانواده و دیگر آثار او؛ معرفی سمط‌العلی، اهمیت و ویژگی‌های بلاغی نثر و اشعار پارسی و عربی مندرج در آن و نیز تأثیر پذیری آن از دیگر متون؛ بحث در باب تاریخ قراختائیان کرمان در سایر متون تاریخی؛ معرفی دست‌نوشته‌های موجود از سمط‌العلی و شیوه تصحیح آن. در پایان مقدمه نیز تصاویری

ناصرالدین منشی کرمانی. سمط‌العلی للحضرة العلیا (تاریخ قراختائیان کرمان). تصحیح و پژوهش مریم میرشمسی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۴.

### مقدمه

سمط‌العلی للحضرة العلیا اثر ناصرالدین منشی کرمانی که در سال ۷۱۶ هـ.ق نگاشته شده است به تاریخ حاکمان قراختایی کرمان می‌پردازد. این کتاب علاوه بر اینکه به عنوان یک اثر تاریخی اهمیت دارد، به عنوان یک متن نثر فنی فارسی نیز حائز اهمیت است. بعضی از بخش‌های سمط‌العلی از نمونه‌های زیبای نثر فنی است.

### تصحیح مجدد سمط‌العلی

آن تکمله را بگذارید برای بعدی‌ها. آن بعدی‌ها می‌آیند تکمیلش می‌کنند. همه کارها را که قرار نیست شما بکنید. (پورمختار، ۱۳۹۴: ۷۳)

این سخن ادوارد براون به مرحوم علامه قزوینی، یکی از بهترین مصادیق خود را در سرگذشت کتاب سمط‌العلی یافته است. این کتاب را برای نخستین بار مرحوم استاد عباس اقبال آشتیانی تصحیح و در سال ۱۳۲۸ چاپ کرد. علی‌رغم فضل و دقت

۱. سلسله‌ای از حاکمان ترک که از ۶۱۹ تا ۷۰۳ ق تحت تابعیت ایلخانان مغول بر کرمان حکومت کردند.

از دو نسخه خطی کتاب آورده شده است.

مقدمه کتاب مفصل است و در آن به طور مستوفی و با استفاده از منابع متعدد به مباحث یادشده پرداخته شده است. در زیر چند نکته اصلاحی که به نظر نگارنده رسیده است، به شکل پیشنهاد برای چاپ‌های بعدی عرض می‌شود:

- مصحح محترم درباره دستنویس اساس تصحیح خود نوشته‌اند:

در این تصحیح چون دست‌نویس اساس از مطلوبیت و کیفیت بالا و صحت و سقم درخوری برخوردار نبود، بنا بر این در بسیاری از موارد آن عدول شد... (ص پنجاه و سه)

اگر از وصف‌های «مطلوبیت» و «کیفیت بالا» و «صحت و سقم درخور» که شناخت دقیقی از نسخه مورد نظر (نسخه ایاصوفیه) به دست نمی‌دهند بگذریم، این نکته قابل ذکر است که با این وصف، دستنویس ایاصوفیه دیگر نسخه اساس محسوب نمی‌شود و حد اکثر می‌توان آن را اساس نسبی نامید.

- در مبحث تأثیرپذیری سمط‌العلی از متونی مثل تاریخ یمنی، نفثة‌المصدر و... (منشی، ۱۳۹۴: سی و شش به جلوه) برای افزایش دقت و سهولت در مقایسه دو متن، بهتر است موارد مشابه، نه در زیر هم بلکه در دو ستون روبروی هم قرار بگیرند. در همین مبحث، به کار رفتن ترکیباتی از قبیل روی رزمه، لاسیما، علی الرسم فی امثالها، صورت حال، نعم، هلمّ جرّاً و... (همان: ص سی‌ونه) و مصطلحات معمول دیوانی از این قبیل در دو متن، نشانه تأثیر یکی بر دیگری نیست. باز در همین مبحث تأثیرپذیری سمط‌العلی از دیگر متون تاریخی، جای مقایسه آن با عقدالعلی للموقف الاعلی خالی است. سمط‌العلی چنانکه از عنوان و موضوعش پیداست و مرحوم قزوینی نیز یادآور شده است (همان: پنجاه و دو) از الگوی عقدالعلی پیروی کرده است. درست است که سمط‌العلی از لحاظ تاریخی ذیلی بر عقدالعلی نیست (اقبال، ۱۳۶۲: و) اما آن کتاب، در نثر و شیوه تاریخ‌نگاری سرمشق منشی بوده است. جای مقایسه این دو کتاب در مقدمه خالی است و حتی اشاره‌ای هم

به آن نشده است. کتاب دیگری که جای آن در بحث تأثیرپذیری سمط‌العلی از متون تاریخی خالی می‌نماید، تاریخ جهانگشای جوینی است. همانگونه که مرحوم اقبال نیز یادآور شده‌اند، ناصرالدین منشی در تتمه سمط‌العلی از تاریخ جهانگشا تقلید کرده است (منشی، ۱۳۹۴: بیست و هفت؛ اقبال، ۱۳۶۲: ز) این نکته و تأثیر عمومی جهانگشای بر متون تاریخی پس از خود، مقایسه سمط‌العلی و جهانگشای را لازم می‌کند.

- عنوان «شیوه تاریخ‌نگاری در سمط‌العلی» (ص بیست و شش) به نوعی تکرار عنوان قبل، «منش او در تاریخ‌نگاری» است. علاوه بر این، زیر این عنوان بحثی در شیوه تاریخ‌نگاری منشی دیده نمی‌شود. آنچه هست، مروری سریع بر مندرجات آغاز کتاب است و تنها در پاراگراف آخر است که به شکلی ناقص و مختصر به شیوه تاریخ‌نویسی منشی اشاره‌ای شده است.

- بحث درباره نثر سمط‌العلی و ویژگی‌های بلاغی آن (ص بیست و هفت به جلوه) منحصر شده است به ارائه چند نمونه از جملاتی که صنایع ادبی دارند، یا شواهدی از تحلیل و ترکیب آیات قرآن با عبارات فارسی و یا ارائه نمونه‌هایی از تنسیق الصفات. ارائه این نمونه‌ها اگرچه لازم است، اما به تنهایی تحلیل بلاغی نثر کتاب نیست و موارد ذکرشده نیز ویژه سمط‌العلی نیستند و در سایر متون مشابه هم دیده می‌شوند. نکته دیگر اینکه لازم است در همین نمونه‌ها، کلمات یا آیات و عبارات مورد نظر با قلم ایتالیک یا بولد مشخص شوند.

- آنچه تحت عنوان برخی از ویژگی‌های زبانی و نحوی این اثر (ص بیست و نه به جلوه) آمده، شامل مواردی است که تقریباً ویژگی همه متون نثر فنی است و اختصاص به سمط‌العلی ندارد. خوب است ضمن ذکر این نکته که این موارد در متون نثر فنی مشترک هستند، اگر سمط‌العلی از این نظر ویژگی‌های منحصری دارد آورده شوند. در همین مبحث، لازم است عنوان‌های فرعی بولد شوند.

از محاسن مقدمه مصحح که تا پایان کتاب هم ادامه می‌یابد، خالی بودن آن از اغلاط تایپی است. تنها سه مورد به

- نظر رسید که برای تصحیح در چاپ بعدی ذکر می‌شود: اسؤله (به جای «اسأله»؛ ص بیست و چهار)؛ تجت (به جای «تحت»؛ ص چهل و نه)؛ و نیز دو حرف «شا» که به نظر زائد می‌رسد (ص ۱۲۸، سطر دوم).
  - آخرین نکته در باب مقدمه آن است که تصاویر نسخه‌های کتاب، کیفیت پایینی دارند؛ به‌ویژه تصویر دست‌نوشته مرحوم قزوینی که کاملاً ناخواناست.
- متن سمط العلی للحضرة العلیا**
- خوشبختانه تصحیح مجدد سمط العلی با دقت بالایی انجام شده است. هرچند نسخه‌های مورد استفاده خانم میرشمسی همان دو نسخه مورد استفاده مرحوم اقبال بوده، متن جدید بسیار پیراسته‌تر از تصحیح نخست است. مقایسه و مطابقت سمط العلی با متون مشابه و نیز سایر آثار ناصرالدین منشی، از مزایای این تصحیح است. این متون در مواقعی نقش نسخه‌بدل پیدا کرده و مصحح را به صورت صحیح پاره‌ای ضبط‌ها رهنمون شده‌اند.
- از جمله دقت‌های مصحح در متن کتاب، ثبت دقیق نسخه‌بدل‌هاست. به‌عنوان نمونه در مورد واژه مشکوک «بیز» در مقابل نام سلطان غیاث‌الدین، در پاورقی (ص ۲۹) آمده: «= اقبال، ایاتنها یک نقطه دارد، ل: پیر(؟)» و در بخش یادداشت‌های اعلام، در باب این ضبط و صورت‌های دیگر آن توضیح کامل داده شده است (ص ۲۱۷).
- بدون در دست داشتن نسخه‌های سمط العلی، قضاوت درباره تصحیح کتاب کامل نخواهد بود. با این حال نمونه‌هایی از موارد امتیاز تصحیح جدید بر چاپ اقبال در زیر آورده می‌شود:
- «اقتنای (= کسب) محامد» (ص ۹۱)؛ اقبال: افشای محامد
  - «عساکر و کتاب و جوش و بوش و طبول و نقارات» (ص ۹۸). «جوش و بوش» تصحیح قیاسی است و نسخه ایاصوفیه و چاپ اقبال «جوش و کوش» و نسخه لندن «حزمش و پوش» دارند. در باب این ضبط در بخش واژه‌نامه و ملاحظات لغوی، ذیل «جوش و بوش» توضیح مفصل داده شده است (ص ۲۸۹).
  - «نه از درختان آن شاخی بالان ماند...» (ص ۱۲۶). لندن و اقبال: بالا.
- «بس به روخته تا آبی به روی کار باز آورد» (ص ۱۴۴). اقبال «بس فروخته» و ایا صوفیا «بس فروخته» دارند. متن با توجه به نفثة المصدور تصحیح شده است.
  - «حقودی، حسودی، عنودی، جهودی» (ص ۱۴۵). اقبال: جمادی.
  - «بارانهای آذاری» (ص ۱۵۱). اقبال: آزی.
  - «چون غمزه دلبران تیز شد» (ص ۱۵۱). در یادداشت‌های جامع، مستندات و شواهد مبسوطی در باب ترجیح این ضبط بر سایر ضبط‌ها آمده است (ص ۳۹۵).
  - «خصال منتجب» (ص ۱۵۲). اقبال: منتخب. با توجه به اینکه صحبت از پدر و عموهای مؤلف است و لقب پدر او منتجب‌الدین بوده، انتخاب تصحیح جدید اصح است.
  - «هلال بخت افاضل خود چون هلال شب شک است که از آن نومید شوند» (ص ۱۵۳). اقبال: نبودند. در زمینه تصحیح متن سمط العلی چند نکته به نظر نگارنده می‌رسد که در زیر ذکر می‌شود:
  - واژه تکش در تصحیح جدید به شکل تگش نوشته شده است، بی هیچ توضیحی (ص ۲۷، ۲۸، ۳۱...). از آنجا که ضبط مشهور همان «تکش» است و در تصحیح اقبال هم به همین صورت آمده است، لازم است در این مورد نیز مثل مورد تفاوت ضبط سیورغتمش / سیورغاتمیش (ص ۵۱، پاورقی ۱۱) در تصحیح اقبال و تصحیح تازه، توضیح داده شود.
  - گذاشتن علایم سجاوندی و مشکول کردن واژگان و اسامی و بولد کردن اشعار و امثال و عبارات خاص، کار پرزحمت و دقیق اما بسیار مفیدی است که مصحح محترم زحمت آن را پذیرفته است. این موارد، خواننده را در فهم متن بسیار یاری می‌رساند. چند پیشنهاد در این مورد برای چاپ سپسین تقدیم می‌شود تا در صورت صلاح دید اعمال گردد:
  - «در عداد بلغای دهرش منتظم می‌شمارند» (ص ۸). «منتظم» به صیغه اسم مفعول درست است.
  - «و به روزگار ملک رحیم، سلطان الدوله...» (ص ۲۲)؛ «پادشاهی بود عاقل مردانه و شهنشاهی کامل فرزانه» (ص ۷۵). بهتر است در پایان کلمات مشخص شده، کسره

ادامه می‌خوانیم که با دادن صد هزار دینار رشوه در خواست شد که «اگر سلطان جلال‌الدین <سیورغتمش> و نواب به بندگی روند، مانع نیایند» (ص ۸۵).

#### یادداشت‌ها

#### ۱. ملاحظات تاریخی

بخش ملاحظات تاریخی، حاوی یادداشت‌های مفیدی است برای فهم بهتر مسائل تاریخی کتاب. اطلاعات تاریخی متن با این ملاحظات، که غالباً همراه با ارجاع به دیگر متون تاریخی‌اند، تکمیل و بعضاً تصحیح شده است. از جمله توضیحات راجع به بعضی اعداد به کار رفته در متن، بسیار مفید هستند (از جمله توضیحات راجع به مدت سلطنت ترکان خاتون (ص ۱۹۹) یا خوانش اعداد سیاقی متن و نیز مدت وزارت خواجه اختیارالملک (ص ۲۰۱)). ظرافت‌های نثر منشی راجع به دیوان رسالت کرمان (ص ۸) بدون توضیحات این بخش (ص ۱۹۶) به خوبی درک نمی‌شود و آنجا که منشی به ایهام از پدر و عموهایش صحبت می‌کند (ص ۱۵۲) با توضیحات مندرج در این قسمت (ص ۲۰۷) است که مقصود او کاملاً معلوم می‌شود. دو نکته درباره ملاحظات تاریخی به صورت پیشنهاد عرض می‌شود:

- در این توضیحات، اگر در کنار شماره صفحه متن کتاب، شماره سطر هم داده شود، از نظر سهولت دسترسی به مطلب مورد بحث بهتر خواهد بود.
- لازم است راجع به شکایت ترکان خاتون به اباقاخان راجع به اینکه سیرجان از توابع و لواحق کرمان است (ص ۶۷) توضیح داده شود. این قضیه مربوط است به استیلای ملوک شبانکاره بر این شهر، با این ادعا که سیرجان بخشی از فارس است.<sup>۳</sup>

#### ۲. یادداشت‌های مربوط به نام کسان

در این بخش با ارجاع به منابع متعدد، درباره اعلام اشخاص متن شرح داده شده است. این توضیحات غالباً جامع و مفصلند. نمونه را درباره اشکال مختلف نام «اردوقیا»، به ۸ مرجع رجوع شده است (ص ۲۱۱). نمونه این توضیحات ممتّع را می‌توان درباره این اشخاص دید: براق حاجب، بیز شاه، پادشاه خاتون، ترکان خاتون، سلطان ایداجی و فخرالدین هرات.

۳. برای اطلاع بیشتر راجع به این مسأله رک. تاریخ شاهی قراختائیان کرمان: ۳۶۵ به جلو؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۳/۵۸، ۶۸.

افزوده شود تا در خواندن اشکال ایجاد نشود.

- «بی‌عنایتی، پادشاهان مغول» (ص ۴۵). با توجه به معنی متن، به جای ویرگول، کسره لازم است.
- در مصراع نخست از بیت هفتم قطعه عربی (ص ۶۰) بُدَلت به شکل بُدَلت مشکول شود.
- «سپاهی نامدار، همه ناموران جنگجوی قراختایی» (ص ۶). همزه کوچک بر روی «همه» نادرست است.
- «فی الجملة آن غوره مویز و آن بیدق فرزین و آن مور مارگشته» (ص ۱۳۰). شکل پیشنهادی: ... آن غوره مویز و آن بیدق فرزین و آن مور مارگشته.

#### بازنگاری

صد و پنجاه صفحه نثر فنی سمط‌العلی را خانم میرشمسی چکیده‌نویسی و آقای عمادالدین شیخ‌الحکمایی در سی صفحه بازنگاری کرده‌اند. این کار - که قبلاً هم توسط بعضی استادان انجام شده است<sup>۲</sup> - در باب متون تاریخی دشوار لازم است و خواننده معمولی، و در مواردی حتی خواننده خاص را در فهم متن یاری می‌کند. نکاتی در باب این بازنگاری به نظر نگارنده رسیده که به عنوان پیشنهاد عرض می‌شود:

- در ابتدای بازنگاری، دو بار از کتاب سمط‌العلی به عنوان «سرگذشت‌نامه» (ص ۱۶۰) یاد شده است. از آنجا که این واژه افاده معنی سرگذشت شخصی می‌کند، خوب است کلمه «تاریخ» یا معادل مناسب دیگری جایگزین آن شود.
- بخشی از مطالب صفحه ۸۲ متن کتاب، در بازنگاری منعکس نشده است.

- «و سیورغتمش تعلق نکند به آنکه به اردو و دیوان بزرگ روم و آنجا جواب گویم» (ص ۸۴). این قسمت، در بازنگاری، به عکس معنی شده است (ص ۱۷۹). در واقع معنی آن است که سیورغتمش نباید بهانه کند که من به اردوی خان خواهم رفت و آنجا جواب خواهم داد، بلکه باید جواب را در کرمان به مأموران خان بدهد؛ چنانکه در

۲. از جمله بازنگاری دزه نادره تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی توسط مرحوم استاد سید جعفر شهیدی. برای اهمیت کار مرحوم شهیدی رک. باستانی پاریزی، ۱۳۶۳: ۴۰۹.

آثار ناصرالدین منشی نیز ذکر شده است. در طی این توضیحات، علاوه بر تعلیقات مرحوم اقبال، نتیجه تحقیقات دامنه‌دار مصحح و استفاده از منابعی که بعد از مرحوم اقبال چاپ شده یا حتی هنوز به صورت خطی هستند را نیز می‌بینیم. بدون این توضیحات، فهم متن دشوار و ناقص می‌بود. به عنوان نمونه یک توضیح کامل، می‌توان از یادداشت راجع به عبارات معروف «ماؤها و شل و تمرها دقل...» (ص ۲۱) یاد کرد (رک. ص ۳۵۳). چند مورد نیازمند توضیح در یادداشت‌های جامع به نظر رسید، که در زیر ذکر می‌شود:

- «به فاروق صلابت، رهاننده از زهر ضلالت گشت» (ص ۲). لازم است به داستان اثر نکردن زهر به بدن عمر خطاب اشاره شود.<sup>۵</sup>
- «اشارت ایشان حکم و طاعتشان غنم بود» (ص ۸). متن، تحلیل بخشی از مقدمه مقامات حریری است: من أمر من إشارته حکم و طاعته غنم القیسی، ۱۴۱۳ق: ۲۵).
- «ایشان را بر سپرهای گاو خوابانیده» (ص ۴۲). در باره «سپر گاو» توضیح داده نشده است.
- «حساب جو و حبه از ترازو برخاست» (ص ۱۲۷). توضیح لازم دارد.

#### نمایه‌ها

در این بخش آیات، احادیث، مثل‌ها و اقوال و عبارات عربی، ابیات و مصاریع فارسی و عربی، اعلام اشخاص و اقوام و جای‌ها، واژه‌ها و ترکیبات، اصطلاحات و تاریخ‌های مندرج در متن کتاب به دقت نمایه شده‌اند. مصحح محترم با تقبل این زحمت، کتاب را برای تحقیقات تاریخی و ادبی کاملاً آماده و آسان کرده است.

#### پیوست‌ها

در بخش پیوست‌های پایان کتاب، مقدمه عباس اقبال بر تصحیح سمط‌العلی، شباهت‌های زبانی سمط‌العلی با دو اثر دیگر ناصرالدین منشی، یعنی نسائم‌الاسحار و درّه‌الاحبار، ساختار ترکیب در سمط‌العلی و نمودار سلاطین قراختایی

۵. برای این داستان و منابع آن رک. شهیدی، ۱۳۸۰: ۶/۶۰۳.

#### ۳. یادداشت‌های مربوط به نام جای‌ها

در این بخش به معرفی و توضیح اعلام جغرافیایی پرداخته شده است. حجم اعلام جغرافیایی سمط‌العلی به مراتب کمتر از اعلام اشخاص است، اما روش و استقصای مصحح به همان نحو، دقیق و کامل است.

- در این بخش جای توضیحی درباره «انار سرحد» (ص ۸۳) که همان «شهر انار» امروزی در همسایگی رفسنجان می‌باشد، خالی است.
- درباره «منغانی» (ص ۱۱۸) نیز توضیح داده نشده است؛ خوب است همان توضیح مرحوم اقبال در این مورد نقل شود.<sup>۴</sup>

#### ۴. واژه‌نامه و ملاحظات لغوی

در این بخش توضیحاتی کافی راجع به لغات دشوار متن سمط‌العلی آورده شده است. از نمونه‌های توضیحات کامل می‌توان ذیل «سوسون/ شوسون» (ص ۳۰۴) و «ناب اشد» (ص ۳۳۴) را ذکر کرد. در این قسمت، علاوه بر توضیحات لغوی، در مواردی راجع به ترجیح ضبط‌های مختلف نیز بحث شده است. مثلاً ذیل «جوش و بوش» (ص ۲۸۹). همچنین علاوه بر مفردات لغات، ترکیبات آنها نیز توضیح داده شده است؛ مثلاً علاوه بر معنی واژه «امتلاء» (ص ۲۷۴) ترکیب «برج امتلاء» نیز معنی شده است (ص ۲۷۹).

در این بخش در توضیح مفصل راجع به «جوش و بوش» (ص ۲۸۹)، ضرب‌المثل «با آن همه هوش و بوش، پاشنه نداره گوشت» به نقل از امثال و حکم آمده که صحیح آن «گوشت» (= کفشت) است، نه گوشت (دهخدا، ۱۳۸۳: ۱/۳۴۳). به همین قیاس، «گوشتش» هم که در شاهد نقل شده از بدایع‌الزمان یاد شده، باید «گوشتش» باشد.

#### ۵. یادداشت‌های جامع

این یادداشت‌ها شامل ترجمه و توضیح آیات، احادیث، جملات و امثال و اشعار عربی و فارسی و توضیح مشکلات متن و استدلال در صحت و سقم ضبط‌ها می‌باشد. در این بخش علاوه بر تعیین مراجع احادیث و گویندگان اشعار، وجود موارد مشابه با سمط‌العلی در سایر متون، مخصوصاً دیگر

۴. «منغانی: ظاهراً صحیح می‌گانی باشد منسوب به میغان از بلاد قدیم سیستان که امروز جزء قائنات در شمال غربی آبادی نه قرار دارد» (اقبال، ۱۳۶۲: ۱۳۴).

- تاریخ‌شاهی قراخانیان کرمان (۱۳۹۰). از مؤلفی ناشناس. به تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۸). جغرافیای حافظ ابرو. تهران: میراث مکتوب.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۳). امثال و حکم. تهران: امیرکبیر.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۰). شرح مثنوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- القیسی الشریشی، ابوالعباس احمدبن عبدالمؤمن (۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲ م). شرح مقامات الحریری. تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم. الجزء الاول. بیروت: المكتبة العصرية صیداء.
- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۹۴). سمط‌العلی للحضرة العلیا. تصحیح و پژوهش مریم میرشمسی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

آمده است. درج این پیوست‌ها ارزش تحقیقی کتاب را بالا برده و نمودار جدیت و وجدان علمی مصحح محترم است. پایان‌بخش کتاب، فهرست منابع و مآخذ این پژوهش و ترجمه خلاصه مقدمه به انگلیسی است.



از مقایسه تصحیح نخست کتاب سمط‌العلی للحضرة العلیا به کوشش مرحوم استاد عباس اقبال، با تصحیح تازه آن به همت خانم مریم میرشمسی، مشخص می‌شود که کتاب، هم در زمینه صحت متن و هم از نظر ارائه مقدمه و تعلیقات سودمند، اعتلا یافته است. مصحح محترم با استفاده از متون تاریخی مشابه و مرتبط با سمط‌العلی و سایر آثار ناصرالدین منشی، توانسته متنی بسیار مضبوط‌تر از تصحیح نخستین ارائه کند. مقدمه مصحح بر کتاب سمط‌العلی حاوی مطالب مهم در زمینه شناخت مؤلف، کتاب و دستنویس‌های آن است. تعلیقات کتاب که شامل معرفی اشخاص و اعلام جغرافیایی، بحث در باب مطالب تاریخی، توضیح واژه‌ها و اصطلاحات و اشعار فارسی و ترجمه اشعار و امثال و عبارات عربی است، کار گسترده و دامنه‌داری بوده که مصحح محقق محترم به شایستگی از عهده آن برآمده است. نمایه‌های متعدد پایان کتاب آن را برای استفاده‌های متنوع ادبی و تاریخی آماده و آسان کرده است.

#### منابع

- اقبال، عباس (۱۳۶۲). مقدمه بر سمط‌العلی للحضرة العلیا. تهران: اساطیر.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۳). خاتون هفت قلعه. تهران: روزبهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). مقدمه بر تاریخ‌شاهی قراخانیان کرمان. تهران: علم.
- پورمختار، محسن (۱۳۹۴). «پنج تصویر از استاد ایرج افشار». در: فرزانه ایران‌مدار. تهران: خانه کتاب، با همکاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۱-۷۶.

